

#### یادداشت

#### توسعه درون‌زا؛ راه نجات یا تله راهبردی؟

یکی از این انگاره‌ها، آرمان «خودکفایی» است؛ خودکفایی به‌مثابه راهبرد عمومی و یکسان برای همه حوزه‌ها و موضوعات از تولید محصولات کشاورزی و صنعتی تا تولید علم و فناوری. بر همین اساس مجموعه‌ای از مشوق‌ها و تسهیلات (بخوابیدرانت‌ها) و اعتبارات چشمگیر دولتی برای تولید محصولات استراتژیک و خرید تضمینی آن، جاری‌سازی استراتژی جایگزینی واردات و حمایت از ایجاد انواع و اقسام بنگاه‌های کوچک و متوسط صنعتی با انحصار در برخی دیگر از بازارها (خودرو، نیروگاه‌سازی و…) و ساخت انبوهی از دانشگاه‌ها، پارک‌های علم و فناوری، شرکت‌های دانش‌بنیان و مراکز پژوهشی در کشور و مانند اینها تخصیص داده شد و عواقب و پیامدهای راهبردی و بلندمدت این تصمیمات نیز واکاوی و اثرسنجی نشد. کاربست این الگو در توسعه کشور خسارات بعضا غیرقابل جبرانی از قبیل ممنوعه‌شدن بیش از ۷۵ درصد دشت‌های کشور، پنج برابر شدن نرخ فرونشست زمین نسبت به متوسط جهانی، قرارگیری کشور در رتبه‌های پایین شاخص‌های مهمی جهانی چون رقابت‌پذیری و تاب‌آوری، تولید کالا‌های بی‌کیفیت با قیمت پایین و فناوری منسوخ، نوسانی بودن نرخ رشد اقتصادی کشور و پایین‌بودن آن از متوسط جهانی و… را در پی داشته که علت بنیادین را باید در کژفهمی این نکته دانست که اولاً درون‌زایی به درون‌گرایی و درون‌نگری فروگذاسته شده و ثانیاً الگوی توسعه درون‌زا نه همه راحل، بلکه بخشی از راحل توسعه (در کنار سایر الگوهای مکمل) بوده است. بررسی تاریخ توسعه در دنیا حاکی از آن است که هیچ کشوری در دنیا از معبر درون‌زایی محض و فراگیر نتوانسته در مسیر توسعه حرکت کند و اساساً فراگیر و قابل تعمیم دانستن کاربست این الگو به همه عرصه‌های اقتصادی کشور چیزی جز «آدرس غلط» و یک «تله راهبردی» برای کشور که با چالش شکنندگی منابع و نیز آزادی ژئوپلیتیکی در یک موقعیت منطقه‌ای بی‌قرار و پرآشوب مواجه است، به شمار نمی‌رود. الگوی توسعه درون‌زا می‌تواند به‌مثابه یک انتخاب تاکتیکی موقت، هدفمند، مشروط و محدود در برخی حوزه‌ها (برخی صنایع خاص، برخی علوم و فناوری‌ها و…) ملک عمل قرار گیرد. مانند تجربه حمایت از صنایع داخلی و توسعه فناوری‌های بومی در دهه ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ در کشورهای کره و ژاپن که سبب شکل‌گرفتن غول‌های امروز خودروسازی و الکترونیک جهان در این کشورها شد با سیاست خودکفایی چین در فناوری‌های حیاتی مثل هوش مصنوعی یا 5G در یک دهه اخیر که تلاش داشته وابستگی چین به آمریکا را در حوزه فناوری به‌تدریج کاهش دهد. با وجود این در ایران مسیر غلطی که منائر از انگاره توسعه درون‌زا و بی‌توجه به وجه بیرون‌گرایی و بیرون‌زایی (رقابت‌پذیری، حضور در بازارهای جهانی، کاربست فناوری‌های روز و…) که حتی قبل از انقلاب اسلامی آغاز شده بود، سبب شده هرچند دوره زمانی بنیان‌گذاری بنگاه‌هایی چون ارج (ایران) و سامسنگ (کره) و نیز آزمایش (ایران) وال‌اجی (کره) تقریباً هم‌زمان بوده باشد، ولی امروز پس از چند دهه دوربردن ایرانی‌که زمانعی رقیب یکدیگر بودند نیمه‌تعطیل یا تعطیل باشند، ولی دو برند کره‌ای غول‌های صنعت لوازم خانگی جهان باشند. در صنعت خودروسازی ایران نیز راهبرد جایگزینی واردات در واقع ترجمان کاربست همان الگوی توسعه درون‌زاست که امروز می‌بینیم نتیجه‌ای جز باز نارضایتی عمومی از کیفیت و قیمت خودرو و نیز ریشه‌دواندن شبکه‌های انحصار و فساد در بخش‌های مختلف آن نداشته است. در نتیجه قبول این واقعیت و تغییر راهبرد از «درون‌زایی درون‌گراییانه» به «درون‌زایی بیرون‌گرا» در وهله اول و بسترسازی برای حرکت به سوی استقرار الگوی توسعه شبه‌بیرون‌زا (Quasi Exogenous) در وهله دوم که با پذیرش اصول ثابت توسعه‌یافتگی، بازآفرینی نهادهای مناسب، اتخاذ سیاست‌های هوشمند و تعامل با جهان از طریق پیوندخوردن به زنجیره‌های ارزش جهانی همراه خواهد بود، گامی مهم برای تغییر مسیر حکمرانی توسعه در کشور از «بیراهه‌های توسعه‌سنجی» به‌منبع از وضعیت شکنندگی منابع و محیط زیست، فقدان سرمایه و فناوری مورد نیاز به «مراط مستقیم توسعه‌ای» است که در این چند دهه اخیر ویتنام، بنگلادش، مالزی، اندونزی، قطر، امارات، ترکیه و جدیداً عمان، عربستان و حتی قزاقستان در آن در حال حرکت برای لیل به «رقابت‌پذیری» و «سرآمدی» هستند. در پایان باید گفت یکی از اشکالات عمده حکمرانی در کشور، عدم پذیرش واقعیت‌ها تا سرحد بیرون‌جران‌ها و عدم درس‌آموزی از خطاهای پیشین و عدم بازخوردگیری از الگوواره‌ها و استراتژی‌های به‌کارگیری‌شده است. قبول واقعیت نامتناسب‌بودن طرح و کاربست ایده الگوی توسعه درون‌زا و ضرورت اصلاح ساختارها، فرایندها و ارزش‌های بر خاسته از آن در برنامه‌ریزی و مدیریت کشور، هرچند تلخ و سنگین، اما یک ضرورت قطعی است تا بتوانیم با رفع نواقص، چارچوب و طرحی جدید و کارآمد برای توسعه در کشور درآندازیم تا مصداق ضرب‌المثل معروف خشت اول چون نهد معمار کج… نشویم. باید این واقعیت را پذیرفت که اعلام شکست کاربست الگوی توسعه درون‌زا در کشور و ضرورت بازتعریف و بازآفرینی نظام سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و مدیریت توسعه مبتنی بر الگوی جدید توسعه شبه‌بیرون‌زا نه‌تنها در تعارض و وهن نظام ارزش‌های سیاسی و اعتقادی ما قرار ندارد، بلکه مقوم و راه نجات‌بخش آن برای عبور کشور از بیچ تند ناترازی‌ها و نارضایتی‌های تحمیل‌شده است. باید پذیرفت که امروز دیگر الگوی قدیمی «نه شرقی، نه غربی» در سیاست خارجی کشور (به عنوان مبنای ایدئولوژیک توسعه درون‌زا) کار نمی‌کند و گریزی از گذار به سوی الگوی نوین «هم شرقی، هم غربی» فقط منفعت ملی» برای توسعه کشور وجود ندارد.

#### ضرورت اقدام بین‌المللی در جهت نظم‌ارتباطی و اطلاعاتی

باید در نظر داشت که مباحثه‌های بین‌المللی جاری در مورد جامعه اطلاعاتی اکنون در جهت عکس مباحثه‌های قبلی راجعه به نظم نوین جهانی اطلاعات و ارتباطات که در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ به منظور طرفداری از خواست کشورهای جهان سوم در مقابله با سلطه اطلاعاتی و ارتباطی غرب انجام می‌شدند، در قالب طرحی از پیش آماده شده کشورهای اخیر براساس اصول لیبرالیسم اقتصادی جدید و… مقتضیات و منافع کمپانی‌های فراملی و بازار آزاد جهان شمول مورد نظر آنها دنبال می‌شود. علی‌رغم هشدارهای مکرر طیف بزرگی از صاحب‌نظران و پژوهشگران بین‌المللی ارتباطی مبنی بر خطر بازگشت جریان سلطه‌جو و سوءاستفاده از ابزارهای رسانه‌ای و ارتباطی، متأسفانه رفته‌رفته بار دیگر کشورهای معدود در پوشش چند شرکت، سیر ارتباطی و اطلاعاتی جهان را در اختیار خود گرفته‌اند. در سال‌های اخیر، نگرانی‌ها فراتر رفته و اکنون مسائل بسیی فراتر از موارد حق دسترسی عادلانه همگانی، شکاف دیجیتال و نابرابری فاحش اطلاعاتی و تقابل با حق حاکمیت دولت‌ها و حقوق مربوط به محتواها و زبان‌ها و هویت‌های محلی است. این جریان ابداً بسیار خطرناک‌تر پیدا کرده‌تا جایی که وارد ساخت‌های اخلاقی همچون نفی حریم خصوصی افراد و کاربران شده است. در سال‌های اخیر، انتشار گزارش‌های متعدد به‌روشنی سوءاستفاده این شرکت‌ها را از اطلاعات خصوصی کاربران و فروش آن اطلاعات به اثبات رسانده است. سکوت نهادهای مسئول موجب خواهد شد افراط اخلاق به عنوان نظم جدید ارتباطی و اطلاعاتی به همه ساخت‌های زندگی شخصی کشیده شود. در سال‌های اخیر و با توسعه ارتباطات همراه، در کنار فراگیری شبکه جهانی اینترنت و دسترسی گسترده شهروندان در بسیاری از کشورها به شبکه‌های اجتماعی، بار دیگر نگرانی‌های عمیق از سلطه‌طلبی کشورهای معدود مورد توجه قرار گرفته است. اگرچه فراگیرشدن ارتباطات نوین در ظاهر دسترسی همگانی و عادلانه را برای شهروندان ایجاد کرده است، با وجود این جریان سلطه در لباس مشروعیت و با شدت بیشتری بر شهروندان کشورهای مختلف از سراسر جهان خود را تحمیل کرده است. تولید دستکته‌های و تجهیزات همراه در انحصار چند شرکت معدود قرار دارد و به‌علاوه نرم‌افزارها و دست‌افزارهای پایه نیز توسط شرکت‌های معدود تولید و مدیریت می‌شود. تأسف‌انگیزتر اینکه بهره‌برداری از این ابزارها به طور آشکار در جهت مقاصد تروریستی و جاسوسی از شهروندان انجام می‌شود. نمونه‌های متعددی از فروش اطلاعات خصوصی کاربران توسط شرکت‌ها افشا شده است، با وجود این جریان سلطه در لباس مشروعیت و کنترل یا محدودترشدن این رویکرد دیده نمی‌شود. به نظر می‌رسد بار دیگر تحرک کشورها و نخبان دغدغه‌مند به عنوان ضرورتی اجتناب‌ناپذیر در مقابله با سوءاستفاده از سپهر ارتباطی و اطلاعاتی مورد نیاز است تا با معاهده‌های فراگیر، نظم عادلانه و انسانی را بر این فضا حاکم کند. برای مثال، کشورهای عضو پیمان شانگهای ظرفیت درخور توجهی در شکل‌گیری جریان بین‌المللی به منظور نظم‌نوین ارتباطی و اطلاعاتی دارند. جادار وزیر محترم ارتباطات و فناوری اطلاعات به عنوان دستگاه متولی، با همکاری وزرای دیگر، طرحی را با هدف پیگیری این نگرانی از طریق نهادهای بین‌المللی و جلب همکاری نخبگان و صاحب‌نظران تهیه و با هماهنگی وزارت خارجه در دستور پیگیری قرار دهد.

|                                                                               |                               |
|-------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------|
| <div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div> | <div>ادبیات از صفحه اول</div> |
|-------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------|

❧ **بین ساخت «تصور» و «تهران کنارت» فاصله زیادی نبود، اما از زمان ساخت فیلم جدید تا امروز که خبر نمایش جشنواره‌ای آن را می‌شنویم، زمان زیادی طی شده است.**

**چه اتفاقی برای فیلم افتاد؟**

همیشه تأکید کرده‌ام که «تصور» را برای خلوت آدم‌ها ساخت. هرچند فیلم در مسیر ساخت و اکران شرایط سخت و پیچیده‌ای داشت، اما خوشحالم که دیده شد و وقتی با واکنش‌های خوبی در فستیوال‌ها روبه‌رو شد، احساس کردم خستگی تمام سال‌هایی که پشت سر گذاشتم جبران شد. اما در «تهران کنارت» با یز این ماجرا تکرار شد.

❧ **گرفزاری‌های گرفتن پروانه ساخت و نمایش بود؟**

بله، مدت‌ها زمان برد که به مدیران فرهنگی دولت سابق ثابت کنم من نه فیلم سیاسی ساختم و نه فیلم بی‌حجاب. اتفاقا در دولت سابق آقای سهرابی، مدیرکل دفتر نظارت بر عرضه و نمایش سازمان سینمایی، از جمله افرادی بود که سعی داشت تا با نگاه بازتری به آثار تولیدی نگاه کند و مشکلات را حل کند. در تمام آن روزها این بیت از حافظ در ذهنم تکرار می‌شد: «چو پرده‌دار به مششیر می‌زند همه را/ کسی مقیم حریم خَرَم نخواهد ماند». دوستان فیلم من را در کنار آثاری قرار دادند که بدون حجاب ساخته شده بود. من نقدی به فیلم‌سازی که به این شکل فیلم می‌سازد، ندارم؛ انتخاب من نیست. تعجب من از این بود که نمی‌شود همه فیلم‌ها را در کنار هم ارزیابی کرد. مثلاً فیلم‌سازی امکان ساخت فیلم در بیرون از کشور را دارد و باز هم در کشور خودش فیلم می‌سازد و در فستیوال‌های خارجی از محدودیت‌های فیلم‌سازی در ایران صحبت می‌کند، شرایطش با دیگران یکسان نیست.

❧ **این در مرحله گرفتن پروانه نمایش بود؛ در مرحله ساخت هم مشکلی شبیه این وجود داشت؟**

بله. ماجرای ساخت این فیلم کمی پیچیده بود. برای

نقش اصلی زن این فیلم ابتدا با ترانه علیدوستی صحبت کردیم، اما شرایطی پیش آمد که دیگر در مورد این همکاری صحبت نکردیم. طبیعتاً با تغییر تیم بازیگری و انتخاب علی شادمان تصمیم گرفتیم فیلم‌نامه را بازنویسی کنم و این بار فیلم‌نامه براساس سن بازیگران جدید نوشته شود. تصمیم داشتم بازیگر نقش اصلی زن نابازیکر باشد، اما بعد فکر کردم شاید تصمیم درستی نیست و آناهیتا افشار انتخاب شد. فیلم ساخته شد و قصد داشتم بعد از ساخت این فیلم، یک فیلم تجاری بسازم. شرط گرفتن پروانه ساخت، داشتن پروانه نمایش فیلم قبل بود. آن زمان «تهران کنارت» برای حضور در بخش اصلی فیلم توکیو پذیرفته شده بود و دوستان در ارشاد از ساخت چنین فیلمی عصبانی بودند و مدام بابت ساخت چنین فیلمی از سمت آنها سرزنش شدم. جالب اینجاست که آن روزها با خودم فکر می‌کردم وقتی با «تصور» در جشنواره فیلم کن حضور داشتم، فیلم‌سازی که با من همان سال در کن حضور داشت، برای ساخت



امیرحسین غجایی

#### درباره نقش محوری زنان در جنگ

## از پشتیبانی تا روایتگری



#### فاطمه محمدی

**پژوهشگر سینما و مدیرعامل موزه سینما**

می‌رسانند. برخی نیز به صورت داوطلبانه در بیمارستان‌ها و پایگاه‌های امدادی به مداوای مجروحان مشغول بودند. یکی از نمادهای ماندگار مقاومت در جنگ ۳۳ روزه، «ام کامله»، پسرزن لبنانی بود که با وجود تخریب خانه‌اش، با شجاعت اعلام کرد همه زندگی خود را فدای مقاومت می‌کند. این صحنه توسط رسانه‌ها ثبت شد و به نمادی جهانی از ایستادگی زنان در جنگ تبدیل شد. در جنگ غزه نیز زنان فلسطینی با وجود محاصره و حملات سنگین، نه‌تنها به مقاومت ادامه دادند، بلکه با تربیت فرزندان خود براساس فرهنگ جهاد، نسل جدیدی از مبارزان را پرورش دادند. آنان در شرایطی که کمترین امکانات وجود داشت، با ابتکار عمل خود، به سازماندهی کمک‌های مردمی و حفظ روحیه جامعه پرداختند.

#### نقش رسانه‌ای و فرهنگی زنان در جنگ

یکی از وجوه کم‌تردیده‌شده نقش زنان در جنگ، تأثیر آنان در عرصه رسانه و فرهنگ است. زنان بسیاری به عنوان خبرنگار، نویسنده، شاعر و فیلم‌ساز، روایتگر واقعیت‌های جنگ بوده‌اند. در ایران، پس از دفاع مقدس، شاهد خلق آثار ادبی و هنری ارزشمندی توسط زنان بوده‌ایم که هرکدام بخشی از تاریخ جنگ را به تصویر کشیده‌اند. برای مثال، کتاب‌های خاطرات همسران و مادران شهدا یا



غلامحسین غجایی

#### گفت‌وگو با علی بهراد، کارگردان فیلم «تهران کنارت»

# به خاطر ساخت فیلم سرزنش شدم

«تهران کنارت» تازه‌ترین ساخته سینمایی علی بهراد در بخش نمایش‌های ویژه جشنواره کارلووی‌واری شرکت کرده است. فیلمی با نقش آفرینی علی شادمان، آناهیتا افشار، آیدا ماهیانی، رضا کولغانی، تینو صالحی، کلنوش قهرمانی، داود وداده و علی مصفا که به احتمال زیاد مخاطبان ایرانی این فیلم در پاییز امسال به تماشای آن در سینماهای کشور خواهند نشست. «تصور»، ساخته پیشین علی بهراد، با اقبال بسیاری در جشنواره‌های خارجی روبه‌رو شد و با وجود اکران نه‌چندان مناسب در ایران و خلاصه‌شدن نمایش فیلم به چند سانس، یکی از فیلم‌های محبوب منتقدان و مخاطبان سینمای ایران است. به نظر می‌رسید بعد از موفقیت «تصور»، مسیر فیلم‌سازی برای کارگردانش هموارتر طی شود، اما گویا ساخت «تهران کنارت» دشوارتر بوده است. به بهانه نمایش این فیلم در جشنواره کارلووی‌واری، با علی بهراد هم‌کلام شدیم.

بزرگ‌ترین پروژه کشورش حاضر می‌شد و من اینجا بابت ساخت فیلمم سرزنش می‌شدم. من در «تهران کنارت» هم سعی کردم با نگاه خودم به روابط امروزی نگاه کنم، اما ظاهراً وقتی دوستان با رویکردی آشنا نیستند، فکر می‌کنند اساساً اشتباه است.

❧ **پس فیلم در جشنواره توکیو شرکت نکرد.**

بله. فیلم در جشنواره‌ای شرکت نکرد و بیش از یک سال برای گرفتن پروانه نمایش این فیلم دوندگی کردیم. با تغییر دولت، شرایط تغییر کرد. مثلاً فکر کنید فیلمی مثل «پیرسر» که مدت‌ها توقیف بود، به جشنواره فیلم فجر آمد و الان کل اکران‌های ماست و همه می‌دانند که سازندگان این فیلم شرایط سختی را طی کردند تا به اکران برسند. برای فیلم «تهران کنارت» هم چنین اتفاقی افتاد. فیلم به جشنواره کارلووی‌واری دعوت شد و تا مدتی دیگر در یک جشنواره نسبتاً بزرگ حاضر خواهد شد که در ادامه نام فستیوال اطلاع‌رسانی می‌شود و امیدوارم پاییز در ایران اکران عمومی شود. متأسفانه در برخی دوره‌ها، سیاست‌های غلط درباره سینما تبعات بدی به دنبال دارد.

بیشتر فیلم‌های کم‌دی که بسیاری از کارشناسان سینما و منتقدان نظرات منفی درباره آنها دارند، بابت میدان دادن زیاد به ساخته‌شدن چنین فیلم‌هایی در یک دوره بوده‌اند. خودم طرفدار فیلم کم‌دی هستم، ولی این فیلم‌ها نه سینماست و نه کم‌دی.

❧ **بعد از «تهران کنارت» به ساخت فیلم جدیدی فکر می‌کنید؟**

دو فیلم‌نامه آماده دارم و در دوره‌ای به ساخت سریال فکر می‌کردم، اما الان به یک تصمیم مشخص که کدام فیلم‌نامه را خواهم ساخت، نرسیدم. سینمای ما با ساخت فیلم‌های متنوع از فیلم‌سازان متفاوت، رنگ و بوی بهتری می‌گیرد.

|                                                                               |                               |
|-------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------|
| <div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div> | <div>ادبیات از صفحه اول</div> |
|-------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------|

فیلم‌های مستندی که توسط زنان کارگردان ساخته شده‌اند، توانسته تصویری واقعی و انسانی از جنگ ارائه دهد. این آثار نه‌تنها به ثبت تاریخ کمک کرد، بلکه در تقویت روحیه مقاومت در جامعه نیز مؤثر بوده‌اند.

#### زنان و تقویت اقتصاد مقاومتی در دوران جنگ

در دوران جنگ، اقتصاد خانواده‌ها و جامعه تحت فشار شدید قرار می‌گیرد. در چنین شرایطی، زنان با مدیریت منابع محدود، کار در مشاغل مختلف و حتی راه‌اندازی کارگاه‌های کوچک خانگی، به حفظ اقتصاد خانواده کمک کرده‌اند. در جنگ تحمیلی علیه ایران، بسیاری از زنان با ورود به بازار کار، جایگزین مردانی شدند که در جبهه‌ها حضور داشتند. این نقش اقتصادی زنان، نه‌تنها به بقای خانواده‌ها کمک کرد، بلکه به تقویت اقتصاد ملی در شرایط بحران نیز یاری رساند. نقش زنان در جنگ فراتر از تصورات کلیشه‌ای است؛ آنان نه‌تنها در پشتیبانی مستقیم از جبهه‌ها حضور داشتند، بلکه با حفظ خانواده، روایت‌گری جنگ، تقویت روحیه مقاومت و حتی مشارکت اقتصادی، به عنوان بازوان قدرتمند جامعه در شرایط بحران عمل کرده‌اند. امروزه نیز در جنگ‌های نابرابر منطقه، همچون مقاومت فلسطین و یمن، زنان پیشتاز عرصه‌های مختلف هستند.

بااین‌حال، روایت‌های رسمی از جنگ هنوز هم گاه به نقش زنان کم‌توجهی می‌کنند. لازم است با ثبت دقیق خاطرات و اقدامات زنان در جنگ، تصویری جامع و عادلانه از نقش آنان ارائه شود. موزه‌ها، رسانه‌ها و مراکز فرهنگی باید بیش از پیش به این موضوع بپردازند تا نسل‌های آینده بدانند پیروزی در جنگ فقط حاصل زرم مردان نبوده، بلکه یادگاری‌های خاموش زنان نیز سهمی بزرگ در آن داشته است. موزه سینما به نوبه خود در تلاش است تا آینه‌ای روشن در برابر این تلاش‌های مجاهدانه بانوان تلاشگر کشورمان باشد.

#### گزارش

#### ما هم بنده خدا هستیم

مرد با بی‌حوصلگی توضیح می‌دهد: «این پسر را تازه گرفته‌اند، وسایل و مقداری پول را که پیش من داشت آورده‌ام تا به دشتش برسانم». در بین جمعیت زن جوانی با چادر مشکی تسبیح به دست گرفته، زیر لب ذکر می‌گوید و اشک‌های صورتش را با دست پاک می‌کند؛ نگران پسر نوجوانش است که امروز دستگیر شده و قرار است رد مرز شود. با صدای لرزان چند جمله می‌گوید و دوباره زیر آفتاب راه می‌رود و به ذکر گفتش ادامه می‌دهد: «رفتند داخل کارخانه در محله فیروزآباد و پسرمر را بردند. اگر رد مرز شود، نمی‌دانم چه کنیم. کجا بیرو؟ کجا را می‌شناسد؟ چند فامیل دور داریم و باید به آنها بگویم که پسرمر می‌آید. خانواده ما ۵۸ سال است که در ایران زندگی می‌کنند، ما همه بنده خدا هستیم، این حق ما نیست، اینجا را کشور خودمان می‌دانستیم». چند متر دورتر از این جمعیت، مردانی به درخت تاده شده و روی آن پتوی صوری بچگانه‌ای پهن است. این وسایل مختصر یک خانواده چهارنفری است که قصد کردند خودشان به افغانستان بازگردند. زن جوان که مادر دختری دوساله و پسر ی نوجوان است، توضیح می‌دهد: «هر روز می‌ترسم همسر و پسرم از خانه بیرون بروند، دستگیر شوند و دیگر بازنگردند. همه خانه و اسبابش را رها کردیم. حتی پول پیش خانه را نگرفتم. فقط می‌خواهم به افغانستان برگردیم. به اینجا آمدم تا همسرم تشکیل پرونده دهد و برویم. تمام طول روز ترس دارم و نمی‌خواهم این شرایط را تحمل کنم». روایت‌های نگاشته در بین این آدم‌ها بسیار است؛ از آدم‌هایی که مدرک قانونی نداشتند ولی دستگیر شدند، تا آنها که از تاریخ تمدید مدرکشان گذشته یا اصلاً مدرکی ندارند. حالا منتظرند سوار اتوبوس شوند و راهی جایی شوند که به امید زندگی بهتر ترکش کرده بودند.

#### خطر شکل‌گیری نژادپرستی اجتماعی

این شکل اخراج و رد مرز مهاجران افغانستانی به باور بسیاری علاوه بر اینکه قانونی نیست، اخلاقی هم به شمار نمی‌رود؛ رفتاری که در آینده نجات بسیاری دارد. مریم رحیمی، پژوهشگر حوزه مهاجرت، در تحلیل سیاست‌های مهاجرتی ایران به روندی اشاره می‌کند که در چهار دهه گذشته، مهاجران، به‌ویژه افغان‌ها در موقعیتی تعلیق‌شده و ناپایدار نگه داشته شده‌اند؛ بدون آنکه نه حقوق پایدار داشته باشند و نه چشم‌اندازی برای تثبیت وضعیت‌شان. او تأکید می‌کند که نگاه حاکم بر سیاست‌گذاری مهاجرت در ایران، نگاهی میهمان‌محور است؛ گویی مهاجران فقط تا زمانی که به نیروی کار آنها نیاز است مجاز به ماندن هستند و در اولین فرصت می‌توان آنها را به شکلی کاملاً غیرشخصی و عددی، از کشور خارج کرد. رحیمی، وضعیت فعلی مهاجران افغان را نصف‌را نتیجه یک بحران سیاسی و اقتصادی، بلکه محصول سال‌ها سیاست‌گذاری ناکارآمد و بی‌توجه به حق و هویت انسانی می‌داند. او می‌گوید: پس از تسلط دوباره طالبان، امکان دریافت کارت آمایش و دیگر مدارک قانونی برای بسیاری از مهاجران افغان مسدود شد و تنها گزینه آنها برگه‌های سرشماری شد؛ اسنادی که برای شناسایی و ساماندهی مورد استفاده قرار می‌گیرد، اما حالا نخستین گروهی که اخراج می‌شوند، افرادی با همین مدارک هستند. او نسبت به یک گفتمان خطرناک هشدار می‌دهد: «وقتی از انسان‌ها با عدد حرف می‌زنیم، مثل اینکه دو میلیون نفر باید بازگردانده شوند، آنها را از فردیت خالی می‌کنیم. دیگر مهم نیست چه کسی بچه دارد، چه کسی سال‌ها در ایران زندگی کرده، با اصلا وطن دیگری نمی‌شناسد. آنگاه اخراج دیگری یک تصمیم اداری نیست، یک قاعده انسانی است». او از شکل‌گیری نوعی نژادپرستی اجتماعی سخنی می‌گوید که «در خیابان هم می‌توان اثرش را دید؛ از تهدید مهاجران در کوچه و خیابان تا خشونت مستقیم و بی‌محابا». به گفته او: «نهادهای دولتی با طرح اخراج جمعی و بدون بررسی پرونده‌های فردی، در آتش این وضعیت دامن زده‌اند. حتی کسانی که با پاسپورت در ایران زندگی می‌کنند یا متولد ایران هستند، دیگر از تهدید اخراج در امان نیستند. این مسیر فقط متوجه جامعه مهاجر نیست؛ وقتی یک گروه را با این شدت طرد می‌کنیم، در حال ساختن یک خشونت بالقوه علیه گروه‌های دیگر هم هستیم. امروز مهاجر، فرد بلوچ، پس‌فردا دیگران و هیچ گروهی از این منطق در امان نمی‌ماند». این پژوهشگر خواهان توقف فوری این روند اخراج‌های بی‌برنامه و غیرانسانی است و از جامعه مدنی می‌خواهد که مطالبه‌گر حقوق پایهای برای همه کسانی باشد که در این خاک زندگی کرده‌اند: «نه‌فقط از نظر اخلاقی، بلکه برای حفظ کرامت انسانی در کل جامعه، باید این روند متوقف شود».